چین، غایب حاضر

مهدویان، محمد هادی

پیشاروی روسیه می‏افزاید چگونگی استفاده از امکانات‏ اقتصادی و ابزارهای سیاسی-امنیتی برای دستیابی به‏ هدف است.همچنان که می‏دانیم ابزارهای سیاسی‏ امنیتی نقش چندانی در اقتصاد جهانی ندارند.این در حالی است که روسیه می‏کوشد از ایران به عنوان ابزار سیاسی-امنیتی استفاده کند و در ازای آن امتیاز اقتصادی‏ دریافت کند.

آنچه مسلم است این است که روسیه نمی‏تواند به‏ صورت بلندمدت به این بازی ادامه دهد،چرا که کشوری‏ در حال گذر است و از نظامی با ثبات برخوردار نیست. در واقع کمتر کسی می‏تواند درباره روسیه پس از پوتین‏ اظهارنظر کند.

نکته مهم دیگر اینکه روسیه یک نظام دموکراتیک و در نتیجه برخوردار از یک سیستم اداره کننده نیست.در واقع روسیه را هنوز یک سیستم اداره نمی‏کند،بلکه این‏ پوتین و همکاران او هستند که روسیه اداره می‏کنند.به‏ همین دلیل باید توجه داشت که بعد از کنار رفتن پوتین و همراهانش از قدرت هر اتفاقی در روسیه روی دهد تأثیر خود را بر ایران خواهد گذاشت.البته همین وضعیت در باره کشورهای دیگر،حتی ایالات متحده آمریکا نیز صادق است و این کشورها نیز تحت تأثیر تحولات‏ روسیه قرار خواهند گرفت.بر این اساس باید درباره‏ حساب‏هایی که روی روسیه باز می‏کنیم بسیار حساس‏ باشیم.

ایران و گروه هشت

در هفته‏های قبل از برگزاری اجلاس گروه هشت،دو رویداد بسیار مهم در کشورمان اتفاق افتاد:یکی تشکیل‏ شورای روابط خارجی و دیگری صدور ابلاغیه مقام‏ معظم رهبری درباره اصل 44 قانون اساسی.با دقت در محورهای ابلاغیه درمی‏یابیم که مقام معظم رهبری با هوشمندی به تبعیت از قواعد سازمان جهانی تجارت‏ اشاره دارند.

در واقع وقتی بر اساس رهنمودهای ایشان،هدف، نزدیک‏شدن به حوزه اقتصاد بین الملل تعیین می‏شود، طبیعی است که این هدف با رویکرد تخاصم تأمین‏ نخواهد شد.

به بیان دیگر اگر ایران این بسته پیشنهادی را نپذیرد،به‏ معنی شروع مخاصمه و چشم‏پوشی از این ابلاغیه است. اگر بدبینی را کنار بگذاریم و خوشبینانه به موضوع نگاه‏ کنیم باید به ابزار تحقق این خوشبینی بیندیشیم.ابلاغیه‏ مقام معظم رهبری به دولت می‏گوید که باید برنامه‏ چهارم و سند چشم انداز 20ساله را پی‏بگیرد و نه اینکه‏ اقتصاد را دولتی‏تر کند.

انتظار می‏رفت عدم تعادل جهانی و نوسانات نرخ ارز از جمله موضوعات اصلی و بحث‏انگیز در اجلاس‏ امسال گروه هشت باشد.

همچنان که می‏دانیم عدم توازن جهانی،که در دو سال‏ گذشته بر شدت آن افزوده گشته در حد تحولات نفتی‏ دهه 70 است و به جابه‏جایی حجم بالایی از دارایی‏های‏ خارجی میان کشورها انجامیده است.در واقع بر اثر افزایش شدید بهای نفت در دو سال گذشته حجم قابل‏ ملاحظه‏ای از ذخایر ارزی به سوی حساب دارایی‏های‏ خارجی کشورهای نفت‏خیز،آسیای جنوب شرقی و شماری خاص از کشورهای روان گشته است.از آنجا که‏ کشورهای عضو گروه هشت درباره اقدامات کلان‏ ساختاری برای مقابله با این عدم تعادل با یکدیگر توافق‏ نداشتند،موضوع اساس از دستورکار اجلاس خارجی‏ شد.درواقع نخست باید کشورهای 5 G و7 G درباره‏ سیاستی راهگشا در این زمینه‏ به جمع‏بندی روشنی دست‏ یابند و سپس نظرات خود را در اختیار گروه هشت قرار دهند.

دلیل دیگر این امر،عدم‏ حضور نقش‏آفرینان اصلی‏ این عدم‏تعادل،چین، کشورهای آسیای جنوب‏ شرقی و کشورهایی همچون‏ برزیل و مکزیک در اجلاس‏ بود.طبیعی است در نبود این‏ کشورها بخشی از مسائل‏ اساسا قابل طرح و تفاهم‏ نیست.

اما درباره موضوع مهم دوم،یعنی نوسانات نرخ ارز نیز بحثی در اجلاس در نگرفت و تفاهم گردید که این مبحث‏ نیز از دستورکار اجلاس خارج شود.عدم حضور رؤسای‏ کل بانک‏های مرکزی در اجلاس امسال از جمله دلایل‏ این امر بود.بر خلاف 20 سال گذشته وزرای دارایی‏ کشورهای گروه هشت در اجلاس حضور داشتند و از رؤسای بانک‏های مرکزی خبر نبود.

عدم حضور کشورهایی همچون چین و ممالک آسیای‏ جنوب شرقی در اجلاس،که به اعتقاد غربی‏ها پول‏های‏ «دارای ارزش برابری کمتر از حد( undervalue )»دارند، دلیل دیگر مسکوت ماندن مبحث نوسان‏های ارزی بود. در واقع در نبود رؤسای بانک‏های مرکزی و کشورهایی‏ همچون چین هر بحثی در این باره به زمینه‏ای برای جدال‏ بیشتر تبدیل می‏شد.

از جمله بحث‏های سنتی دیگر،بدهی کشورهای‏ آفریقایی بود.کشورهای گروه‏ هشت درباره کشورهای‏ آفریقایی بسیار فقیر تا حدودی‏ به تفاهم رسیده‏اند،اما عدم‏ تأمین منابع مالی،موضوع را لاینحل باقی‏گذاشته است. معضل اصلی در این زمینه عدم‏ آمادگی کشورهای صنعتی‏ بزرگ برای مشارکت بیشتر در بخش بدهی کشورهای‏ آفریقایی است.این در حالی‏ است که اساسا امید نمی‏رود مدیریت‏های کشورهای فقیر بتوانند گامی در جهت حل‏ معضل بردارند.به بیان دقیق‏تر عدم حضور کشورهایی‏ همچون چین در اجلاس، که به اعتقاد غربی‏ها پول‏های«دارای ارزش‏ برابری کمتر از حد دارند،دلیل دیگر مسکوت ماندن مبحث‏ نوسان‏های ارزی بود ابعاد بدهی کشورهای فقیر در مقایسه با صادرات، پرداخت‏ها،دریافت‏های داخلی و خارجی و تولید ناخالص داخلی آن‏ها چنان بزرگ است که نمی‏توان‏ انتظار حل مسأله را از طریق بازپرداخت بدهی‏ها داشت.

بحث دیگر مالیه عمومی( Finance Public )و توسعه‏ آموزش در زمینه مالی است.کشورهای گروه هشت به‏ این جمع‏بندی رسیده‏اند که عنصر اصلی در بهبود زندگی‏ مردم و کشورها،عنصر خودآگاهی،آگاهی نسبت به‏ منافع و وضعیت اقتصادی است.

در مورد تناقض در سیاست‏های اقتصادی امریکا نیز سخن به میان آمد.

انتظاراتی که از چین می‏رود در رابطه با نرخ و برابری‏ پولش و تعرفه‏ها ممکن است این تناقض نباشد.بحث‏ تعرفه‏ها یک نظام حقوقی تعریف شده است و کاملا روشن است و حالا اگر در یک مورد خاصی موافقت‏ صورت گرفته است که چین تعرفه‏اش را بالا ببرد،فقط در آن زمینه خاص است به عنوان قیدی است بر آن قاعده‏ کلی و احتمالا برای یک دوره خاصی و نمی‏تواند جایگزین سیاست نرخ ارز باشد.اگر پول چین‏ undervalue است و باید تقویت بشود.زیرا این مطلب با توجه به محدودیتی که اقتصاد جهانی در زمینه رشد با آن‏ مواجه است یک فاکت است.رشد در اقتصادی جهانی در یک حدی به حداکثر رسیده است،دنیا نمی‏تواند از یک‏ حد معقول 3 یا 4 درصد بیشتر رشد کند،دلایل بسیار متعدد محیط زیستی دارد و دلایل دیگر،لذا رشد 9 درصدی 10 درصدی چین منتج به جابه‏جایی جغرافیایی‏ صنعت است که دارد اتفاق می‏افتد.یعنی همه دنیا باید صنعت را جمع‏آوری کنند برای اینکه چین و هند سرمایه‏گذاری کنند برای اینکه دو میلیارد جمعیت دنیا که با هر مقیاسی زیر خط فقر هستند از این فقط مطلق نجات‏ پیدا کنند،برای اینکه نرخ رشد هزینه دارد.به نظر می‏رسد آن فشاری که قرار است وارد شود برای پول چین.توجه‏ داریم که چین پیش قراول یک مجموعه کشور است در آن منطقه،یعنی هر کاری چین بکند مابقی تاسی و دنیال‏ خواهند کرد و در راس آن مالزی،کره و چند کشور دیگر (ژاپن به کنار)،بحث منطقه است و اگر اینها بتوانند چین‏ را قانع کنند که پولش را تقویت کند سرعت رشد اقتصادی‏ را پایین می‏آورند و شدت مصرف را پایین می‏آورند و در بحث‏های انرژی هم یک مقدار ملایمت ایجاد می‏شود و...

بنا بر این در صورتی که چین ارزش پول خود را حدود 5 تا 10 درصد تقویت کند،تا حدودی از افت‏وخیز کنونی اقتصاد جهان کاسته خواهد شد،در غیر این صورت روند پر التهاب موجود ادامه خواهد یافت. بیش از هرزمان دیگر لازم است که کشورهای‏ قدرتمند صنعتی نگاه‏ خود را نسبت به دنیا تغییر دهند

 دنیا نمی‏تواند از یک حد معقول 3 یا 4 درصد بیشتر رشد کند،دلایل بسیار متعدد محیط زیستی دارد و دلایل دیگر

آنچه روشن است این است که بدون همکاری چین، هیچ راه حلی برای مسائل اقتصاد جهان،اقتصاد نظام‏ سرمایه‏داری جهانی و حتی بلوک 7 G متصور نیست.

در سال 1974،پس از سقوط نظام برتن وودز و اجلاس‏ اسمیت سونین سمیناری در دانشگاه شیکاگو با حضور سردمداران نظام شناور ارز،با عنوان نظام جدید پولی‏ جهان( system monetary intemational new )،برگزار شد. آقای ژیسکار دستن،رئیس جمهور وقت فرانسه،به‏ عنوان سخنران افتخاری در این سمینار شرکت داشت. وی،پس از طرح مباحث پیرامون نظام شناور ارز و عبور از نظام ثابت،به انتقاد و اعتراض پرداخت و چنین گفت‏ که آنچه در سمینار مطرح شده حلال مشکلات جهان‏ نیست.«آلیبر»،که ریاست جلسه را بر عهده داشت، متقابلا به ژیستکاردستن اعتراض کرد و گفت که آن‏ها جمع نشده‏اند تا مسائل اقتصاد دنیا را حل کنند،بلکه در تلاشند درباره مشکلات اقتصادی کشورهای صنعتی‏ و نظام سرمایه‏داری جهان صنعتی چاره‏اندیشی کنند.

چنان که پیداست این دیدگاه کماکان بر گروه هفت‏ حاکم است.از همین رو کشورهای صنعتی برای حل‏ معضلات جهان سرمایه‏داری،به همکاری چین و مجموعه کشورهایی کره،مالزی،اندنزی و...،که مسیر چین را می‏پیمایند و خواستار اقتدار و جایگاه ویژه‏ هستند،نیازمندند.

بر این اساس به نظر می‏رسد بیش از هر زمان دیگر لازم است که کشورهای قدرتمند صنعتی نگاه خود را نسبت به دنیا تغییر دهند.در واقع گروه هفت یا هشت‏ بدون مشارکت فعال قطب‏های جدید صنعتی و اقتصادی جهان قادر به حل مسایل اقتصادی جهان‏ نیست و برای موفقیت در این کار باید در ماموریت و رسالت گروه هشت بازنگری شود.